

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن*

جبار امینی^۱

رضا مرادی خلیفه‌لو^۲

رحیم محمدی ایلامی^۳

چکیده

هدف: این مقاله باهدف یافتن و استخراج بخشی از علل و عوامل دین‌گریزی، به بررسی و استقصای ناقصی از علل و عوامل دین‌گریزی از منظر دین پرداخته است و در ضمن، آن دسته از علل و عواملی در آن مطرح شده که به نوعی با دانشگاه و اصحاب آن مرتبطند؛ عواملی چون: سخت و نازیبا جلوه دادن دین، فقر معرفتی به مقولات دینی، عدم تعقل، خصوصی‌سازی دین، انتظار نامعقول از دین، مدیریت ناکارآمد، شبهات و ...، که هر یک می‌توانند در دین‌گریزی آدمیان مؤثر باشند. **روش:** روش تحلیل اسنادی بوده و در عین حال، نیم‌نگاهی هم به وضعیت و شرایط عینی و خارجی جامعه داشته است. **یافته‌ها:** ۱- دین‌گرایی یا دین‌گریزی مقوله تک‌علتی نیست و علل متعددی در تحقق آن مؤثر است. ۲- برخی از علل و عوامل مذکور، معرفتی و از سنخ دانش بوده و برخی غیر معرفتی است. ۳- علل دین‌گریزی، به علل داخلی و خارجی (درونی و بیرونی) قابل تقسیم است؛ به این معنی که برخی علل به متن جامعه دینی و پیروان آن دین مربوط است، ولی برخی دیگر، زمینه خارجی دارند. ۴- هر چه از عقلانیت فاصله گرفته شود، به همان نسبت با دین و دینداری نیز فاصله خواهد افتاد. ۵- اختلاط و آمیزش حق و باطل - که از عوامل دین‌گریزی است - امری است تقریباً پایدار. همواره چنین بوده و خواهد بود. ۶- فضایل و رذایل اخلاقی آدمیان، در دین‌گرایی و دین‌گریزی آنها مؤثر است. **نتیجه‌گیری:** ارائه بخشی از علل و عوامل معرفتی و غیر معرفتی دین‌گریزی که بی‌تردید نقش اساسی و مهمی را در این بستر ایفا می‌کنند. و در پایان نیز به بیان ضرورتها و بایستگی‌هایی پرداخته شده که مراکز علمی از جمله دانشگاهها باید بدانها پردازند. بی‌شک دانشگاهیان در این بستر، رسالت عظیمی دارند.

واژگان کلیدی: دین، دین‌گریزی، عوامل دین‌گریزی، دین و دانشگاه

□ دریافت مقاله: ۹۰/۰۷/۱۰؛ تصویب نهایی: ۹۰/۱۱/۱۶

* این مقاله استخراج شده از طرح پژوهشی با عنوان دین‌داری، اقبال‌ها و ادب‌ها به حمایت دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر می‌باشد.
۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر (نویسنده مسئول) / آدرس: تهران، اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، گروه معارف اسلامی / شماره: ۵۶۳۵۶۱۸۵-۰۲۱ / Email: amini.jk46@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد کلام / Email: moradi_kh@iiu.ac.ir
۳. دکتری کلام، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر / Email: elami@iiu.ac.ir

▪ مقدمه

اقبال یا ادبار آدمیان به دین، همچون بسیاری از امور اجتماعی، معلول علل و عوامل متعددی است. گستره و قلمرو این بحث، حوزه‌های فلسفی، کلامی، فقهی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی دین را شامل می‌شود. پیچیدگی انسان و امور انسانی مانع از آن است که بتوانیم افکار و اعمال او را به یک یا چند علت محدود بازگردانیم. لذا باید در پی کشف علل پنهانی بود که در تقویت و تضعیف دینداری انسانها نقش ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، با توجه به حاکمیت نظام دینی در جامعه ما و تولید امور جامعه توسط دینداران و نقشی که این موضوع بر اقبال و ادبار آدمیان به دین دارد، ضرورت تأمل در مسئله را مضاعف می‌کند. همچنین، تلاش عوامل خارجی و داخلی برای ایجاد شکاف بین دین و دینداران نباید نادیده گرفته شود. تمامی این امور، ضرورت توجه به مسائل دینی و اعتقادی، از جمله مسئله مهمی چون بررسی و کشف علل و عوامل دین‌گریزی یا دین‌گرایی را مؤکد می‌کند. مقاله حاضر در پی کشف و تبیین علل و عوامل دین‌گریزی از منظر دین است؛ به این امید که شناخت آن عوامل، زمینه و شرایط اصلاح آنها را فراهم کند. در پایان نیز به رسالت بزرگ دانشگاهها در این خصوص، پرداخته شده است.

▪ پیشینه تحقیق

با توجه به دینی بودن جامعه ما، به ویژه حاکمیت دینی در آن، مباحث دینی همواره از سوی اندیشمندان مورد بحث و توجه بوده است. دینداری و آسیب‌شناسی یا تقویت آن، از جمله آن مباحث است. در چند دهه گذشته در آثار متعددی به صورت کتاب، مقاله، پژوهش و پایان‌نامه دانشجویی به این امر پرداخته شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«علل گرایش به مادی‌گری» از استاد مطهری، «آسیب‌شناسی دینی» از مجید محمدی، «رهزنان دین» از مصطفی دلشاد تهرانی، «آسیب‌شناسی دینی از منظر استاد شهید آیت‌الله مطهری» از سید مهدی جهرمی و محمد باقری، «سنجه‌های دینداری در ایران» از آقایان عباس کاظمی و مهدی فرجی، که اثر اخیر، تعداد قابل توجهی از کارهای تحقیقی در باب دین و دینداری را ارائه کرده است.

پژوهش حاضر با وجود شباهتهایی که با آثار پیش‌گفته دارد، تفاوت‌های قابل توجهی نیز با آنها دارد. به عنوان مثال، در آخرین اثری که ذکر شد، مباحث بیش از آنکه تبیینی باشند، توصیفی‌اند؛ یعنی توصیفی از وضعیت دینداری در جامعه است - که البته امری ضروری و به طور منطقی مقدم بر تبیین است - و کمتر به تبیین و کشف علل پرداخته است؛ کاری که وجهه همت پژوهش حاضر است.

▪ علل و عوامل دین‌گریزی

در این قسمت با بررسی متون دینی، علل و عوامل دین‌گریزی از منظر آیات و روایات استخراج شده‌اند. طبیعی است بررسی همه آیات و حجم بالای روایات در این خصوص، کاری به مراتب مفصل‌تر و عمیق‌تر از یک پژوهش معمولی را می‌طلبد که از رسالت این نوشتار بیرون است. آنچه از علل و عوامل در اینجا آمده، محصول بررسی بخشی از آیات و روایات اسلامی است.

۱. سخت و نازیبا جلوه دادن دین

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خدا مرا با شریعتی آسان و باگذشت مبعوث کرد» (کلینی، ۱۳۶۵ ه. ش، ج ۵، ص ۴۹۴) و امام صادق (ع) فرمودند: «اگر مردم، زیبایی سخنان ما را بدانند، حتماً تبعیت می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲۷، باب ۸، ص ۹۲).

«سادگی» و «زیبایی» دو مقوله جذاب برای انسانند و در مقابل، امور پیچیده و نازیبا، موجب تنفر آدمی می‌شوند. دین نیز به این نکته کاملاً توجه نشان داده و به زیبایی در آغاز اسلام و در وحی الهی، این مسئله تجلی یافته است. کتاب و کلام الهی در اسلام، «قرآن» (= خواندنی) نامیده شد. هر یک از سوره‌های آن با اسامی ساده و مأنوس با ذهن مخاطب انتخاب شدند؛ بقره، فیل، نساء، انفال، هود، یوسف، نحل، حج و سایر نامها. شیوه بیان و زیبایی و سادگی حاکم بر آن، در زبان عربی بی‌نظیر است. انبیا نیز همواره در گفتار و کردار، نمود زیبا و ساده‌ای داشته‌اند.

پیامبر اکرم (ص) شریعت خود را با «آسان بودن» و «باگذشت بودن» توصیف می‌کند و دقیقاً از همین منظر است که آن حضرت (ص) به مبلغان دینی توصیه می‌فرمودند که بیش از آنکه انذار کننده باشند، بشارت بدهند. در روایات اسلامی آمده است که خداوند همان‌گونه که دوست دارد انسانها به ضرورت‌های دینی عمل کنند، به همان اندازه دوست دارد در مواردی را که رخصت داده شده، وارد شوند. امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند یک چیزهایی را ممنوع کرده، مرتکب آنها نشوید؛ و یک چیزهایی را واجب کرده، آنها را ترک نکنید؛ و درباره برخی مسائل سکوت کرده، البته نه از روی فراموشی، بلکه خواسته است که بندگان در آن مسائل آزاد باشند. در مواردی که خداوند مردم را آزاد گذاشته است، شما تکلیف درست نکنید!» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۵). قرآن کریم نیز در بیان اهداف انبیا، در بخشی از آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: «انبیا آمده‌اند تا بارها و غل و زنجیرهایی که بر دوش و دست و پا و بر گردن مردم سنگینی می‌کنند، بردارند».

طبیعی است که تبیین دین و اجرای آن باید به گونه‌ای باشد که این احساس در مردم به وجود آید و البته همه این موارد نباید به بهای کم‌رنگ شدن واجبات و محرمات دینی انجام گیرد. بنابر این لازم است: اولاً،

واجبات و محرمات دین، تبیین شوند و حکمت و فلسفه آنها تا حد امکان بیان شود و ثانیاً، ظرفیت مخاطبان ملاحظه شود. لذا در مراحل اولیه، عمل به واجبات و محرمات کفایت می‌کند.

۲. فقر معرفتی نسبت به مقولات دینی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در دین‌گزینی، ضعف و فقر معرفتی انسانها نسبت به دین و مقولات دینی است. این نکته به ویژه در عصری که دینداری عاقلانه در حال گسترش باشد، بیشتر خود را نشان خواهد داد. در برخی از آیات قرآن، علم بر ایمان مقلّم دانسته شده (روم، آیه ۵۶) و این می‌تواند به این معنی باشد که علم، پایه و اساس ایمان است.

بی‌شک، دعوت دین به علم‌آموزی، بی‌ارتباط با این واقعیت نیست که علم، مقدمه و زمینه مناسبی برای شناخت حق و حقیقت است. اینکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من برای علم‌آموزی مبعوث شده‌ام» (حکیمی، محمد رضا، ۱۳۸۴ ه. ش، ج ۱، باب اول، فصل اول، ح ۱)، قطعاً در همین راستاست. در جای دیگر می‌فرمایند: «آیا نمی‌دانی که خداوند به واسطه علم، اطاعت و بندگی می‌شود و خیر دنیا و آخرت، با علم است و شر دنیا و آخرت با جهل است» (همان، ح ۴). در حدیث دیگری امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «نجات جز به طاعت حاصل نشود و طاعت نیز به واسطه علم است». (همان، ح ۲۰)

دانشگاه به عنوان یک مرکز علمی، رسالت بزرگی در این خصوص بر عهده دارد. تبیین صحیح و جذاب دیدگاه‌های دینی در حوزه‌های مختلف، اعم از اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره، بی‌شک در مقبولیت این مقولات، مؤثر خواهد بود.

۳. عدم تعقل

دهها آیه و روایت وجود دارد که به بیان رابطه عقل و عقلانیت از یک سو و حقیقت‌یابی از سوی دیگر پرداخته‌اند. «عقل» در روایات اسلامی، چنین توصیف شده است:

- آن کس که عقل ندارد، دین ندارد. (تحف العقول، ص ۵۴)
- عقل، آن است که به واسطه آن، خدا عبادت می‌شود و بهشت به دست می‌آید. (اصول کافی ج ۱، ص ۱۱، ح ۳)

- عقل، رسول باطنی در انسان است. (محمّدی ری شهری، محمّد، العقل و الجهل فی الكتاب و السنه / ۷۴)
- همه خیرات به واسطه عقل قابل حصول است. (شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۷۳)
- عقل، مصلح تمام امور است. (شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۷۰)

مراکز علمی به ویژه دانشگاهها می‌توانند در مسیر رشد و بالیدن عقلانیت و عقل حرکت کنند. ضروری است برای نیل به این مقصود، اولاً به احیای خودباوری در نسل جوان پرداخته شود، ثانیاً جهت‌گیری

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ♦ ۶۹

برنامه‌ها و آموزشها به سوی اندیشیدن، خردورزی و تولید دانش باشد تا جرئت و جسارت، هم برای تولید فکر و هم برای نقد بروز یابد.

۴. تندی و خشونت در گفتار و عمل

«فما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لا انفصوا من حولك» (آل عمران، آیه ۱۵۹)؛ به سبب رحمت الهی در برابر مؤمنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. آیه شریفه تصریح دارد به اینکه اگر پیامبر (ص) خشونت به خرج می‌داد، اعم از خشونت زبانی یا عملی، مردم از اطراف او پراکنده می‌شدند. لذا به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که آنها را عفو کن و در برابر آنها طلب آموزش کن و همچنین سفارش می‌کند تا پیامبر (ص) در کارها با آنها مشورت کند.

در باب بردباری و تحمل و دوری از خشونت و تندی، در متون دینی متعدد توصیه شده است. این اوصاف از هر کسی که باشد، موجب کمال و زیبایی اوست؛ به ویژه از مسلمانان و بالخصوص آنانی که از جایگاه خاصی در جامعه برخوردارند؛ نظیر کارگزاران جامعه یا متولیان امور دینی. البته ناگفته پیداست که مواردی پیش می‌آید که جز به تندی و خشونت، قابل اصلاح و علاج نیست. این گونه موارد نیز از نظر دین مغفول نمانده است.

۵. خصوصی سازی دین

خصوصی سازی دین به دو معنی می‌تواند باشد که هر دو از عوامل دین‌گریزی است: الف) نخست اینکه، عده‌ای حوزه دین و مسائل مربوط به آن را متعلق به خود بدانند و به گمان اینکه دیگران بیگانه و در حاشیه هستند، خویشتر را محق و سایرین را فضول فرض کنند؛ هر چه خود می‌اندیشند را عین حق و مطابق با دین بدانند، اما باورهای دیگران را غیر حق و ضد دین بشمارند.

البته این نکته غیر از مسئله تخصص‌گرایی در فهم دین است که بی‌شک امری معقول و مقبول است. فهم دین، نظیر فهم هر امر دیگری، محتاج تبخّر و تخصص ویژه خود است. سالها تلاش و کوشش لازم است تا شخص بدین مرحله و مرتبه نایل آید. مگر نه این است که فهم آثار انسانهای معمولی چون: حافظ، مولوی، عطار و هر اندیشمند دیگری محتاج تخصص است و هر کس مجاز به اظهار نظر از منظر تخصصی نیست؛ پس به طریق اولی، این قاعده در فهم دین نیز جریان دارد. ناگفته پیداست که باب فهم‌ها و برداشتهای معمولی تا حدی که ادعای فهم عمیق و تخصصی در کار نباشد، برای همگان باز است.

ب) دوم اینکه، دین را امری فردی و خصوصی و آخرتی دانسته، حضور آن را در اجتماع و دولت، انحراف دین از مسیر خود تلقی کنند؛ که این همان تفکر جدایی دین از سیاست است.

هیچ بک از دو معنی پیش گفته قابل قبول نیست؛ زیرا:

اولاً، تلقی انحصاری داشتن از دین (به معنای نخست)، برآمده از این تفکر است که آدمی برای خود رابطه ویژه‌ای با خدا و دین او قائل بشود. قرآن چنین تفکری را از برخی نقل و به صراحت آن را نفی می‌کند. در سوره مائده از قول یهود و نصاری چنین آمده است: «نحن ابناء الله و احبائه»؛ یعنی ما فرزندان خدا و دوستان [خاص] او هستیم. قرآن در پاسخ چنین ادعایی می‌فرماید: «قل فلم يعدبکم بذنوبکم بل انتم بشر ممّن خلق»؛ بگو: چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم انسانی هستید از مخلوقات او. بی‌شک روح تعالیم اسلامی با چنین ادعاهایی سازگار نیست.

ثانیاً، آموزه‌های دین، فراگیر است. آموزه‌های دینی به خلوت افراد و درون خانه‌ها یا کنج ذهن کسی منحصر نیست. دین از انسانها خواسته است که نسبت به ظلم ظالمان و فقر فقیران ساکت ننشینند؛ نسبت به عدالت اجتماعی تلاش کنند؛ حُسن خُلق داشته باشند و ... اندیشه‌هایی که در قالب دین ارائه شده، کاملاً قابل درک و مطابق با فطرت پاک انسانهاست که لازم است از سوی مردم مؤمن، دریافت و در جامعه اجرا شود. ثالثاً، قرائتی از دین، قابل اعتماد است که منبعث از اصول و آرمانهای بنیادین آن باشد. البته در حوزه تفکر اسلامی، در طول تاریخ به صورت عملی و نظری آن چنان شفاف‌سازی شده که بازشناسی اندیشه‌های قابل اعتماد از نظریه‌های غیر قابل اعتماد، کار چندان دشواری نیست و کافی است مراقب التقاط باشیم که همانا همه فتنه‌ها از این ناحیه آغاز می‌شود.

۶. فقدان عدالت اجتماعی در بسترهای مختلف

حضرت علی (ع) پیشوای عدالت‌خواهان جهان، آنکه شهادتش نیز نام عدالت به خود گرفت،^۱ می‌فرماید: «همانا اگر برای مردم پیشوایی استوار، امین، حافظ حقوق جامعه و مورد اعتماد قرار داده نشود، بنیان دین از میان می‌رود و سنتها و احکام دگرگون می‌شود». (دلشاد تهرانی، بی‌تا، ص ۱۳۷)

قرآن نیز به صراحت هدف از بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی را تحقق عدالت معرفی می‌کند (حدید، آیه ۲۵)؛ به گونه‌ای که عدالت، نه هدفی در عرض سایر اهداف انبیا، بلکه در طول اهداف دیگر و غایت آنها قرار می‌گیرد و تمامی کنشها و واکنشهای دینی تا آنجا که نسبت خود را با عدالت حفظ کنند، دینی خواهند بود و به محض اینکه این نسبت را از دست بدهند، دینی بودن خود را نیز از دست خواهند داد. آری نبود عدالت در حوزه‌های مختلف، اعم از خانواده، اقتصاد، قضا و غیره، لطمات و صدمات جدی به دینداری دینداران وارد می‌کند.

۱. پس از شهادت آن حضرت گفتند: «قتل فی المحراب لشدۀ عدله»؛ در محراب کشته شد، به خاطر شدت عدالتش.

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ❖ ۷۱

اما عهدی که در این خصوص می‌توان بر عهده دانشگاهها دانست؛ اولاً، از جنبه نظری و ایجابی به توصیف و تبیین عادلانه از عدالت پردازند و ثانیاً، به لحاظ عملی به پاسداری از حریم عدالت برخیزند و هر جا بی‌عدالتی مشاهده کردند، در مبارزه فکری و عملی با آن پشتاز باشند.

۷. نقش دشمن در ایجاد دین‌گریزی

بررسی آیات و روایات اسلامی، این حقیقت را آشکار می‌کند که دشمنان دین در هر عصری، سعی کرده‌اند دین را به نابودی یا حداقل به انزوا بکشانند و از حضور فعال آن در سطوح مختلف جامعه جلوگیری کنند.

امروز با عنایت به وجود حکومت دینی در ایران، دشمنان دین و دینداری مردم، به انحاء مختلف و با تمام قوا به میدان آمده‌اند. لذا امروزه شناخت این جریان، بسیار حیاتی است.

سالها پیش یکی از جاسوسان انگلیسی در ممالک اسلامی به نام همفر، خاطرات خود را با عنوان «چگونه اسلام را نابود کنیم» به چاپ رساند. (اعترافات، اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۴۶۴) این اثر، بخشی از تلاش دشمنان را فاش می‌کند. وی راههای نابودی مسلمین را در ۲۳ بند خلاصه کرده که از جمله راهکارهای وی، از این قرار است:

- ترویج زیر پا گذاشتن دستورات اسلام و سرکشی از اوامر و نواهی آن؛
- نفوذ در خانواده‌ها و کم‌رنگ کردن نقش والدین در تربیت فرزندان؛
- ترویج شرابخواری، فساد، بی‌بند و باری و ...

اخیراً نیز کتابی در آمریکا با عنوان *A Plan to Devide and Desolate Theology* چاپ شده که در آن، مصاحبه مفصلی از دکتر *مایکل برانت*، معاون ارشد رئیس سابق سیا و عضو بخش شیعه‌شناسی سازمان سیا به چاپ رسیده است. او در این مصاحبه به صراحت اعلام می‌کند که در این سازمان مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار برای فعالیتهای ضد شیعی اختصاص یافته است. وی می‌گوید:

«انقلاب اسلامی ایران صرفاً محصول سیاستهای نادرست شاه نبوده، بلکه عوامل دیگری نیز در آن دخیل بوده است؛ از جمله: مرجعیت دینی شیعی و مسئله عاشورا که ۱۴۰۰ سال پیش اتفاق افتاده است. این دو محور، شیعه را از سایر فرق اسلامی فعال‌تر و متحرک‌تر ساخته است. لذا قرار شد شعبه مستقلی برای مطالعه اسلام شیعی تأسیس شود و با بودجه ۴۰ میلیون دلاری کار خود را شروع کند».

برانت مراحل پروژه را این‌گونه بیان می‌کند:

«الف) جمع‌آوری اطلاعات؛

ب) اهداف کوتاه‌مدت با تبلیغات علیه شیعه و راه‌اندازی آشوبهای بزرگ‌تر شیعه و سنی تا آنها را به خود مشغول کرده، از آمریکا غافل شوند؛

ج) اهداف درازمدت، پایان کار شیعه؛

د) مرجعیت، منشأ اصلی قدرت شیعه است. در هر زمان و مکان که خطری متوجه دین بوده، این مرجعیت بودند که با موضع‌گیری خود، خطر را رفع کرده و هیچ وقت با حاکمان غیر اسلامی بیعت نکرده‌اند. (برانت به فتاوی برخی مراجع نظیر آیت‌الله شیرازی در ایران و آیت‌الله موسی صدر در لبنان اشاره می‌کند).
ه) ماجرای عاشورا و عزاداری، شیعه را از سایر فرق اسلامی ممتاز ساخته و به آنها روحیه آزادی‌خواهی، باطل‌ستیزی و ... داده است. لذا باید روی این مراسم کار کرد.

اینها گوشه‌ای از فعالیت دشمن علیه دین و دینداری مردم است که البته به موازات آن، بر وظیفه حامیان و عاشقان دین نیز افزوده می‌شود. نکته مهم اینکه، جامعه دینی نباید در این مورد، منفعل عمل کند. فراموش نکنیم که «من نام لم ینم عدوه»؛ هر که بخوابد، دشمن او نخواهد خوابید.

در آخر توجه دشمنان دین و دینداری مردم را به این پیغام الهی جلب می‌کنم که: «والذین یسعون فی آیاتنا معاجزین اولئک فی العذاب محضرون» (سبا، آیه ۳۸)؛ و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می‌کنند و می‌پندارند از حوزه قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب [الهی] احضار می‌شوند.

۸. انتظار نامعقول از دین

«گفتند ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم! تا اینکه چشمه جوشانی از این سرزمین [خشک و سوزان] برای ما خارج سازی، یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد و در لابه‌لای آن نهرها جاری سازی، یا قطعات [سنگهای] آسمان را آنچنان که می‌پنداری بر سر ما فرود آری، یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری، یا برای تو خانه‌ای [پر نقش و نگار] از طلا باشد، یا به آسمان بالا روی و حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه نامه‌ای [از سوی خدا] بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم...»^۱. (اسراء، آیه ۹۳-۹۰)

این آیات به فلسفه دین‌گریزی برخی آدمیان پرداخته و انتظار نامعقول آنان را از دین مطرح کرده است. یک مورد از انتظارات نامعقول مردم از پیامبر (ص) که در آیات مذکور به صراحت آمده، داشتن زندگی مرفه و کاملاً تجملی و سرمایه فراوان است که نشان از جهل به اهداف انبیای الهی دارد.

چنانچه می‌دانیم، دین، یکی از اهداف انبیای الهی را برقراری عدالت معرفی می‌کند؛ اما چنین نیست که تحقق این عدالت، صرفاً وظیفه انبیا باشد و آنان پس از برقراری عدالت، مردم را بر سر سفره عدالت دعوت

۱. آیات مذکور به بحث «بهاه‌جویی» که خود از عوامل دین‌گریزی است، نیز مربوط می‌شود.

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ❖ ۷۳

کنند؛ همچون میزبانی که پس از چیدن سفره، مهمان را به طعام آماده می‌خواند! بلکه سفرهٔ عدالت باید به دست خود مردم چیده شود. خداوند این حقیقت را در سورهٔ حدید چنین بیان فرموده است: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را آفریدیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا مشخص شود چه کسی خدا و پیامبرانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببیند. خداوند توانا و شکست‌ناپذیر است.» (حدید، آیه ۲۵)

در آیهٔ مذکور، اجرا و تحقق عدالت از وظایف مردم معرفی شده است، نه از وظایف انبیا، بدون حضور و دخالت مردم! پس انتظار اینکه دین و انبیا باید خود به تنهایی مجری عدالت باشند، انتظار نامعقول و ناممکنی است. مسئلهٔ انتظار نادرست یا نامعقول از دین، می‌تواند تبعات نامطلوبی داشته باشد. امروزه اگر قشر عظیم جوانان به ویژه در دانشگاهها، انتظاراتی را که بر عهدهٔ دین نیست، از آن داشته باشند، بالطبع برآورده نشدن آن انتظارات را به پای دین خواهند نوشت. بر اهل قلم و زبان لازم است تا در اصلاح انتظارات از دین، با بیان اهداف و قلمرو آن اقدام کنند.

۹. عقب‌ماندگی مسلمین

از جمله انتظاراتی که برخی از انسانها از دین دارند، ایجاد پیشرفت، تمدن و فناوری است. وقتی سخن از عقب‌ماندگی مسلمین می‌شود، کسانی هستند که گمان می‌کنند این عقب‌ماندگی به دلیل «مسلمان» بودن آنان است. به عبارت دیگر؛ عقب‌ماندگی را نه به «انسانیت» مسلمین، بلکه به وصف «اسلام» آنان مربوط می‌کنند و می‌گویند: اینان چون «مسلمان» اند، عقب مانده‌اند؛ نه چون «انسان» اند.

از سویی دیگر، مشاهدهٔ پیشرفت برخی ملل دیگر، موجب شگفتی و گاه خودباختگی برخی تا حد استسباع شده است. برای رفع این توهم به بیان چند نکته می‌پردازیم.

الف) باید دید پیشرفت دیگران تا چه حدی معلول و مدیون تفکرات مذهبی آنان است. آیا تمدن غرب و اروپا، برآمده از باورهای مذهبی آن سامان است یا تلاش و کوشش مردم آن دیار؟ البته ما منکر پیوند و ارتباط باور و اعتقاد آدمیان با عمران و آبادانی دنیا نیستیم، بلکه سخن در تبیین و فهم درست این ارتباط و سطح تأثیر آن است.

ب) هدف ادیان الهی را باید به درستی دریافت و بر اساس آن، انتظارات خود را از ادیان اصلاح کرد. دین، برنامهٔ هدایت بشری است (بقره، آیه ۲). در نتیجه، هر گونه برنامهٔ هدایتی را باید از دین خواست و البته امور مربوط به آبادانی و تسلط بر طبیعت اگر چه مورد توجه دین بوده، اما دین متکفل ارائهٔ جزئیات در این

مسائل نیست. اینها به تلاش، کوشش و زحمت آدمیان وابسته‌اند. نباید کوتاهی «مسلمین» را به پای «اسلام» آنان نوشت.

ج) نباید از تسلط و تفوق استعمار بر ملل عقب‌مانده و نقش آن در عقب‌ماندگی این ملل غافل بود. نگاهی به تاریخ سده‌های گذشته جوامع، از این رابطه ناعادلانه و غارت‌پیشه حکایت دارد. امروزه کشور هندوستان آثار شوم یک قرن و نیم دوران استعماری انگلستان را همچنان احساس می‌کند (از جمله ر.ک. به: دورانت، بی‌تا، دفاع از هند) یا کشور خودمان که مدتهای طولانی گرفتار استعمار بود.

د) بررسی متون دینی اسلام، نشانگر دعوت آنها به عمران و آبادانی زمین است و اگر در مواردی نادر، نظر بعضی اندیشمندان اسلامی در باب برخی مظاهر تمدن مطلوب نبوده، آن هم به نوبه خود تبیین خود را دارد. تمدن امروزی غرب در فرهنگ خاصی تولد و رشد یافته، به گونه‌ای که امکان اخذ آن تمدن، منهای آن فرهنگ، اگر محال نباشد، کاری بسیار دشوار است. تمدن غرب با فرهنگ غربی چنان عجین شده که اخذ یکی و طرد دیگری، اگر محال نباشد، بسیار دشوار است. علت مخالفت برخی اندیشمندان اسلامی در باب برخی مظاهر تمدن غرب نیز به همین سبب بوده؛ و الا هیچ آدم عاقلی با پیشرفت و رشد مخالفت نمی‌کند.

ه) تولد و رشد قابل توجه تمدن در جهان اسلام در قرنهای اولیه، دلیل محکمی بر همراهی و همگامی دین با عمران و آبادانی طبیعت است. (ر.ک. به: دورانت، بی‌تا، تاریخ تمدن؛ لوبون، بی‌تا؛ برنال، بی‌تا؛ نصر، بی‌تا) و ظهور انقلاب اسلامی در ایران و رشد قابل توجهی که طی سه دهه گذشته در جامعه اتفاق افتاد، دلیل دیگری بر پیوند دین با رشد و شکوفایی است.

ز) در آخر نباید این نکته نادیده گرفته شود که تمدن امروزی غرب، فاقد اصول انسانی و عقلانی است. روح تمدن غرب فرسنگها با عقلانیت و کمال انسانی فاصله گرفته است. این نکته از منظر اندیشمندان دور نمانده و لذا سالهاست در حوزه‌های مختلف، اعم از هنر، جامعه‌شناسی، فلسفه و غیره، به نقد جدی این تمدن برخاسته‌اند.

۱۰. تبلیغ ناکارآمد

یکی از علل دین‌گریزی به مرحله تبلیغ و بیان دین مربوط می‌شود؛ مرحله‌ای که بی‌تردید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نباید آن را میدانی برای هر مدعی قرار داد؛ مسئله‌ای که غرض دین و ارسال رسل، سخت به آن بستگی دارد. متأسفانه در گذشته، امر تبلیغ مشکلات جدی داشت. شرایط کنونی نسل جدید و عصر جدید، مقتضی ایجاد تحول در امر تبلیغ است. غلبه عقلانیت در نسل امروزی و علاقه آنها بر پرسشهایی که برای انسان دیروزی چندان مهم و جدی نبود، امر تبلیغ را حساس‌تر می‌کند. بر اولیای امور

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ❖ ۷۵

است که در این حوزه بیش از پیش همت کنند؛ اما ناکارآمدی، آسیب جدی تبلیغ است که خود مصادیق و عرض عریضی دارد و در اینجا به چند مورد آن به اجمال اشاره می‌کنیم.

(الف) رعایت انصاف و ترک جدل: «جدل در دین، موجب فساد یقین است». (شرح غرر الحکم و درر الکلم، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۸؛ اسعدی، بی‌تا، ص ۲۶۳)

اینکه مراد از جدل چیست، برخی دو احتمال مطرح کرده‌اند (همان)؛ نخست اینکه، در بحث و گفتگوهای دینی باید کمال انصاف را رعایت کرد و از اموری چون تعصب، عناد و امثال این امور که مانع پذیرش حق است، دوری کرد. احتمال دوم اینکه، منظور از جدل همان جدل اصطلاحی باشد؛ یعنی استفاده از مقدمات مشهور با قطع نظر از درستی یا نادرستی آنها.

(ب) سخت جلوه دادن دین: «خداوند آسایش شما را می‌خواهد نه زحمت شما را». (بقره، آیه ۱۸۵)

در تبلیغ دین نباید چنان عمل کرد که مخاطب احساس کند با کوله‌باری از اوامر و نواهی مواجه است و پذیرش دین را مساوی با پذیرش و عمل به آن اوامر و نواهی بداند؛ به گونه‌ای که آن احساس به مانعی برای پذیرش حق تبدیل شود.

البته تردیدی نیست که دین، مشتمل بر اوامر و نواهی است. اما توجه به واجبات و محرمات و تفکیک آنها از مستحبات، مکروهات و مباحات، لازم و ضروری است. همچنین از منطقه الفراغ دینی نیز نباید غفلت داشت. در حدیث است که: «خداوند دوست دارد انسانها در مواردی که رخصت داده شده، وارد شوند؛ آن‌گونه که دوست دارد به عزائم و موارد الزامی عمل کنند» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱)

(ج) افزودن بر واجبات و محرمات دینی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نشمرید و از حد، تجاوز نکنید؛ زیرا خداوند، متجاوزان را دوست ندارد». (مائده، آیه ۸۷)

در شأن نزول آیه شریفه آمده است که برخی از یاران پیامبر اکرم (ص) پس از شنیدن احوالات رستاخیز و آخرت، تصمیم گرفتند و سوگند خوردند که برخی لذایذ و راحتی‌ها را بر خود تحریم کنند و به جای آنها به عبادت پردازند. این عمل آنها در برخی موارد به تضييع حق غیر نیز منجر شد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۵). آیه مذکور در پاسخ به این‌گونه اعمال، نازل شد.

(د) اجر و پاداش خواهی در برابر تبلیغ: «و تو [هرگز] از آنها در برابر این دعوت، پاداش نمی‌طلبی. آن نیست مگر تذکری برای جهانیان» (یوسف، آیه ۱۰۴). نفی پاداش در امر تبلیغ، در آیات دیگر نیز آمده است. (یونس، آیه ۷۲؛ انعام، آیه ۹۰)

ه) صداقت عملی: «چگونه شما که مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید، خود فراموش می‌کنید؟ در صورتی که شما کتاب خدا را می‌خوانید، چرا تعقل و اندیشه در آن نمی‌کنید؟» (بقره، آیه ۴۴)

آیات و روایات متعددی بر ضرورت عمل و تقدّم آن بر قول و گفتار وارد شده است. انحصار ابزار دعوت به زبان و احیاناً نقض آن در عمل، عامل مهمی در عقیم ماندگی تبلیغات دینی است. جای بسی تعجب و تأسف است دینی که این همه عمل محور بوده و علم بدون عمل را نه تنها «منجی» نمی‌داند، بلکه «مهلک» می‌شمارد و عمل را صورت ایمان معرفی می‌کند،^۱ گاه پیروان چنین مکتبی، هم خویش را صرف بیان بنان می‌کنند. اما عمل آنان چون جملات معترضه، ظهور و بروز ناچیزی دارد. چه زیبا فرمودند که: مردم را به غیر زبان خود (عمل)، به حق دعوت کنید.^۲ هر گاه این امر اتفاق بیفتد، بی‌شک انقلاب عظیمی در امر تبلیغ و آثار آن رخ خواهد داد.

و) صداقت قولی: صداقت و راستگویی در نظر دین، جایگاه خاصی دارد. در مقابل، دروغ نیز سرچشمه همه مفاسد به حساب آمده است. اهمیت این صفت در مقام تبلیغ و تبیین دین، برجسته‌تر و حساس‌تر است؛ زیرا مبلغ دین، زبان دین شمرده می‌شود و بدین سان، صدق و کذب او نسبت به دین و دینداری مردم خنثی نخواهد بود. چه بسا صداقت مبلغ او را از احتجاج و استدلال بی‌نیاز کند.

ز) ایمان به هدف: «پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش به او نازل شده، ایمان آورده است و همه مؤمنان [نیز] به خدا و فرشتگانش و کتابهای او و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند.» (بقره، آیه ۲۸۵)

بی‌تردید علت آن همه تلاش و زحمات طاقت‌فرسای پیامبر (ص) در امر دین، تا جایی که خداوند نیز آن را ستوده و فراتر از وظیفه او خوانده (طه، آیه ۲)، به دلیل ایمان آن حضرت به هدف و راه خود بود. اصولاً این برای تمامی انسانها یک اصل است که در صورت داشتن ایمان به هدف، برای تحقق آن از هیچ امری فروگذار نمی‌کنند و در تزلزل و تردید گرفتار نمی‌آیند.

آیه مذکور پس از بیان ایمان پیامبر (ص) به آنچه بر او نازل شده، می‌فرماید: همه مؤمنان نیز این ایمان را دارند. نتیجه این ایمان در مؤمنان در قدم نخست، تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف و بعد، خستگی ناپذیری و استقامت است.

ح) تسلط علمی مبلغان: آشنایی به مباحث علمی روز و اطلاع از تفکرات و مکاتب مختلف، امروزه از شرایط و ضروریات امر تبلیغ است؛ به ویژه در شرایط فعلی که دشمنان دین و دینداری مردم، به انحای مختلف و

۱. «الایمان کله العمل؛ کل ایمان، عمل است.»

۲. «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم.»

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ♦ ۷۷

با امکانات قابل توجه، علیه دین و دینداری برخاسته‌اند. طبیعی است در این اوضاع و احوال، یک مبلغ دین، باید مسلح به سلاح علم باشد. مقام تبلیغ مقام کمی نیست، رساندن پیام دین، تبیین و تفسیر مقولات دینی به قول شهید مطهری: «از مرجعیت تقلیدی کمتر نیست» (مطهری، بی‌تا، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۸ و ۳۴۷). نشستن در چنین جایگاهی، مستلزم نوعی جامعیت علمی است. البته ضعف علمی و منطقی نیز آثار سوء فراوانی دارد.

۱.۱. التباس حق و باطل

«حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با اینکه از [آن] آگاهید، کتمان نکنید» (بقره، آیه ۴۲)

حقیقت به خودی خود چنان جذاب است که هر دل پاکی را به سوی خویش جلب می‌کند و اگر فضای آن تیره و تار و غبارآلود نشود، روزبه‌روز بر رونق آن می‌افزاید. اما التباس حق با باطل، آغاز اضمحلال و بد اقبالی حقیقت است و ای بسا دشمنان حق از این طریق ضربه می‌زنند و به دنبال اهداف شوم خویش هستند. قرآن این حقیقت را که باطل و اهل آن همواره بقا و دوام خود را در پناه و سایه حق می‌بینند و بر این اساس به امتزاج حق و باطل روی می‌آورند، به زیبایی ترسیم کرده است.

خلاصه اینکه:

۱- حقیقت، چهره‌ای تابناک و جذاب دارد. ۲- باطل از منظری زشت و کریه و زننده برخوردار است. ۳- دین اسلام حقیقتی زیبا و دلربا دارد. ۴- اگر حقیقت اسلام آنچنان که هست ارائه شود و در معرکه آرا قرار گیرد، «یدخلون فی دین الله افواجا»؛ انسانها گروه گروه، لیبیک گویان به دامن اسلام گرایش می‌یابند. ۵- بزرگ‌ترین آفت دین مبین اسلام این است که باطل در آن آمیخته شود. ۶- التباس حق و باطل یا از سر غرض است برای بی‌رونق کردن اسلام عزیز یا از سر مرض جهل است که آسیب آن کمتر از غرض ورزی نیست. ۷- یکی از عوامل مهم دین‌گریزی، اختلاط حق و باطل است که متقابلاً اگر حقیقت دین به صورت خالص ارائه شود، عاملی مهم برای گرایش دینی خواهد بود. ۸- از مصادیق التباس حق و باطل عبارتند از: تحریف آموزه‌های دینی، تأویل و تفسیرهای غلط و ناروا، افراط و تفریط، عوام‌زدگی در باورهای دینی، سیاست‌زدگی و باندبازی به طوری که گروه‌های سیاسی در مقابل هم اباطیل خود را با آیه و روایت توجیه کنند و ...

۱.۲. ارتجاع و تحجر؛ گرایش به سنن کهنه و مندرس

«آیا فراموش کرده‌اید که [در گذشته، آیات من پیوسته به شما خوانده می‌شد اما شما اعراض کرده، به عقب بازمی‌گشتید؟» (مؤمن، آیه ۶۶)

گذشته انسان، ریشه حرکتها و پویایی انسان است. بنابر این، توجه به گذشته در این چارچوب که انسان نظر و توجه به ریشه و اصل داشته باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه کاملاً ممدوح است. اما قصه قهقرا و ارتجاع

چیز دیگری است و آن عبارت است از اینکه: انسان، تحرک و پویایی را از دست بدهد و متحجرانه در نقطه صفر جامد، سرد و بی‌روح، زمینگیر شود.

آیه‌ای که ذکر شد به این حقیقت اشاره می‌کند که عقبگرد و تحجر برخی، مانع پذیرش حق است. بنابر این، هر کس درد دین دارد و احساس می‌کند باید حقیقت دین را در قلوب آحاد مردم بنشانند تا جامعه به سعادت و سلامت برسد، می‌بایست در عرضه آن بکوشد تا از انگ و ننگ ارتجاع و تحجر به دور باشد. والدین در خانواده، متولیان مسائل اجتماعی در سطح جامعه، علمای محترم در مساجد و حسینیه‌ها و متولیان امور فرهنگی در فرهنگسراها و رادیو و تلویزیون و دانشگاهها، می‌بایست چنان عمل کنند که آموزه‌های دینی و رفتارهای دینی کاملاً از رنگ ارتجاع و تحجر بی‌رنگ شود.

۱۳. نگاه‌گزینی و کشکولی به دین

شاید یکی از جدی‌ترین عوامل تخریب چهره دین، همین عامل «ثومن ببعض و نکفر ببعض» باشد که افراد نه به دنبال رضای حق، بلکه اسیر رضایت نفس هستند و برای حصول این رضایت، پاره‌هایی از دین را که در راستای هوای نفسانی آنهاست برمی‌گزینند.

در اثر چنین عملکردی، فضایی به وجود می‌آید که هم این افراد کشکولی در معرض گریز از دین هستند و هم کسانی که در چنین فضایی قرار می‌گیرند. برای مثال، آزادی بسیار خوب و برای زندگی انسان لازم و مفید است. اما اگر ما به آزادی سیاسی و اجتماعی ایمان بیاوریم، ولی نسبت به آزادی‌های معنوی بی‌تفاوت باشیم و بلکه کافر شویم، بی‌شک در یک شرایط عقلانی، افراد منصف محاسبه خواهند کرد که چگونه ممکن است چنین گردونه افسارگسیخته‌ای را آزادی معرفی کرد. جامعه ایده‌آل اسلامی، جامعه‌ای است که در آن نسبت به همه موازین و اصول و ارزشهای اسلامی احترام گذاشته شود و تبعیض صورت نگیرد.

۱۴. نفاق

«و من الناس من يقول آمنا بالله واليوم الآخر و ما هم بمؤمنین، یخادعون الله والذین آمنوا و ما یخدعون الا انفسهم» (بقره، آیه ۹-۸)؛ گروهی از مردم کسانی هستند که می‌گویند به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند، اما نمی‌فهمند.

واژه نفاق از نفع به معنی راه مخفی و پنهانی است. لذا منافق؛ یعنی کسی که دو راه و دو در برای خود قرار می‌دهد؛ یک راه، راه ورودی و یک راه، راه خروج که راه پنهانی هم است (مطهری، بی‌تا، پانزده گفتار، ص ۱۲۴). منافق، فکر و اندیشه‌اش یک جور است و زبان و گفتارش جور دیگر. منافقین از خطرناک‌ترین افراد جامعه هستند؛ نه دوستی آنها معلوم است و نه دشمنی آنها. بیماری نفاق بیشترین تأثیر را در دین‌گریزی افراد جامعه دارد و با وجود منفور بودن آن به لحاظ دینی، متأسفانه شیوع عجیبی دارد.

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ♦ ۷۹

نفاق به دو طریق می‌تواند در دین‌گریزی افراد و جامعه مؤثر افتد:

الف) نفاق و منافق چون تظاهر به دین و دینداری دارد، عامل بزرگی در اشتباه انسانها خواهد بود. تفکیک و بازشناسی نفاق از حق، مستلزم بصیرت و زیرکی خاصی است که به گواه تاریخ برای توده مردم چندان حاصل نبوده است. در نتیجه، باطل را حق پنداشته و دین را در چهره بی‌دینی یافته‌اند.

ب) نفاق به گونه‌ای دیگر نیز در دین‌گریزی آدمیان مؤثر می‌افتد؛ وقتی دین و حقیقت در چهره نفاق و منافق دیده شود و جامعه، منافقان را منادیان دین پندارد و اعمال و رفتار آنان، اعمال دینی تلقی شود؛ به مرور آنان به نماد دین تبدیل می‌شوند و جامعه، دین را از منظر آنان می‌شناسد و بدین طریق، زمینه برای فرار و گریز از دین و دینداری فراهم می‌آید.

آیات و روایات اسلامی، نشانه‌ها و ویژگی‌هایی را برای منافقان ذکر کرده‌اند؛ از جمله:

دروغگویی صریح و آشکار و استفاده از سوگند در دروغ خود، عدم درک واقعیات بر اثر رها کردن آیین حق، داشتن ظاهری آراسته و زبانی چرب، عدم انعطاف در مقابل حق، حق را به باد مسخره و استهزا گرفتن و ایجاد فضای ناباوری و سستی در عقیده، فسق و گناه، خود را عزیز و دیگران را ذلیل تصور کردن (موارد هفت‌گانه مذکور از سوره منافقین قابل استفاده است).

بی‌بند و بار بودن؛ (نهج‌الفصاحه، ح ۲۰۴۵)، ثروت، پیشوای منافق است؛ (طوسی، بی‌تا، ص ۳۵۵)، منافق در بی‌نیازی طغیان می‌کند؛ (تحف‌العقول، ص ۲۱۲)، منافق، نیرنگباز و زیانبار و شکاک است؛ (همان، ح ۱۲۸۹)، منافق، موعظه‌پذیر نیست. (اعلام‌الدین، ص ۷۹)

۱۵. شبهات

حضرت علی (ع) در سبب نامگذاری شبهه می‌فرماید: شبهه را از این جهت شبهه گفته‌اند که شباهت به حق دارد (مجلسی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۶۱). طبیعی است که چنین چیزی دین را فاسد (آمدی، بی‌تا، فصل ۱، ح ۷۴۸) و نور ایمان را در قلبها خاموش می‌کند. (همان، ح ۱۲۸۹)

نمونه‌های فراوانی برای تطبیق بحث وجود دارد. اما به فراخور زمان نوشته می‌شود که برای مثال، در خصوص بحث ولایت فقیه، بعد از این همه سال هنوز هم شاهد طرح برخی شبهات از سوی عده‌ای هستیم؛ شبهاتی که از سوی دشمن دانا و دوستان نادان در فضای جامعه مطرح می‌شود و متأسفانه آن هم نه در فضای علمی و تحقیقی.. در خصوص کثیری از باورها و اعتقادات مذهبی و دینی روند بحث به همین شکل است؛ یعنی به جای نقد علمی در فضای علمی و پژوهشی، باورهای جامعه به تیر زهر آلود شبهه و شک هدف قرار می‌گیرد. تاریخ نشان داده که این‌گونه اقدامات همواره به نفع دین و دینداران تمام شده است.

۱۶. مدیریت ناکارآمد

یکی از عوامل حق‌گریزی انسانهای حق‌جو، مدیریت و مدیران ناکارآمدند. نگاهی گذرا به اوصاف و شرایط مدیران از منظر دینی، بیانگر این مهم است. علم و شناخت، تخصص و تعهد، ضرورت برنامه‌ریزی، سعه صدر، احیای حق و ابطال باطل، لطف و محبت به مردم، خیرخواهی و خدمت به مردم و دهها بایستگی دیگر از منظر دینی، که هر یک بیانگر نقش و اهمیت مدیریت کارآمد و بالعکس است. پیامبر اکرم (ص) جمله عجیبی در این باب دارند. آن حضرت به تصریح خودشان، نگرانی بزرگی که برای بعد از خود داشتند، مدیریت نالایق و ناکارآمد بوده است. می‌فرمایند: «من از فقر و نداشتن ثروت بر امتم نگران نیستم، بلکه از فقدان تدبیر و مدیریت نگرانم». (مطهری، بی تا، پانزده گفتار، ص ۱۳۵)

از قضا، امروزه جهان اسلام گرفتار همین بلیه شده است. بسیاری از کشورهای اسلامی دارای منابع سرشار ثروتند، اما با این حال می‌بینیم که حاکمیت انسانهای نالایق چه بر سر آنها آورده است. از نگاه دینی، مدیران باید با اخلاص و درایت و تدبیر و احساس مسئولیت در پی امور باشند؛ و آلا حق مدیریت نخواهند داشت. اگر واقعاً چنین باشد، جامعه مسیر کمال را طی خواهد کرد.

در پایان به ذکر برخی از ویژگی‌های مدیریت از نگاه علی (ع) می‌پردازیم: (۸۲) مهربانی بر رعیت، غره نشدن بر قدرت (زیرا خداوند بزرگ مالک همه قدرتهاست)، رعایت انصاف، دوری از ستمگری، رعایت عدالت، عیب‌پوشی نسبت به مردم، اهل کینه نبودن، دوری از افراد بخیل، حریص و سخن‌چین، مجالسه و مشاوره با دانشمندان و دقت در انتخاب کارگزاران. (نهج البلاغه، نامه علی (ع) به مالک اشتر)

۱۷. عدم توجه به دغدغه‌های نسل جوان

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) حق‌پذیری جوانان عصر خود را چنین توصیف می‌کنند: «به شماها درباره نوبالغان و جوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آنها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوت‌م سر باز زدند و به مخالفت‌م پرداختند». (شباب قریش، ص ۴۱؛ در: جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۲، ص ۲۴۸)

با این اوصاف، جامعه و نهضتی که با تلاش و کوشش نسل جوان خود به مقصد رسیده، نمی‌تواند و نمی‌باید نسبت به دغدغه‌ها و نگرانی‌های این نسل بی‌توجه یا کم‌توجه باشد. و آلا زمینه انحراف عده‌ای عظیم از همین نسل را فراهم خواهد ساخت. در اینجا به برخی از ضرورت‌های مسئله اشاره می‌کنیم.

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ❖ ۸۱

۱. در حوزه تفکر اسلامی، جوان و روحیه جوانی جدی گرفته شود. سستی در مسائل اعتقادی و دینی، یکی از خطراتی است که جوانان جامعه ما را تهدید می‌کند. اگر این مسئله علمی و منطقی حل نشود، گاه ثمره آن دین‌گریزی یا حتی دین‌ستیزی خواهد بود.
 ۲. ایران اسلامی از نیروی عظیم جوانان پرشور و معتقد برخوردار است. این نیرو امروزه در معرض انواع هجمه‌ها و حمله‌ها قرار دارد. ضروری است که جوان مسلمان در برابر این هجمه، مسلح باشد. انفعالی عمل کردن در این گونه موارد، چندان مطلوب نخواهد بود. چاره درد را قبل از وقوع باید یافت.
 ۳. در بخش مادی (شغل، ازدواج، مسکن و ...) باید به جد وارد شد و مهم‌تر اینکه، عدالت در تک تک این زمینه‌ها برای جوانان از اهمیت خاصی برخوردار است. اگر جوانی تحصیل کرده و پرشور و علاقه، در یافتن شغل واماند و دیگری در برابر چشمان او صرفاً به دلیل روابط خاص، آن شغل را اشغال کند! چه عکس‌العملی خواهد داشت؟
 ۴. این واقعیت غیر قابل انکار است که در سه دهه و اندی که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، به ویژه در برخی مقاطع، بی‌دقتی و کم‌کاری برخی‌ها موجب شد تا زمینه انواع بحرانها برای نسل جوان آماده شود. برای برون‌رفت از این بحرانها، باید جهاد مقدسی را آغاز کرد.
 ۵. جوان امروزی در یک منولوگ و حدیث نفس می‌گوید:
 - از آینده‌ام نگرانم؛ ازدواج، اشتغال و دهها مقوله دیگر برایم کابوس شده‌اند.
 - آرامش لازم را برای ادامه تحصیل ندارم و پایان تحصیل را آغاز گرفتاری می‌دانم.
 - می‌بینم که در جامعه اسلامی، بازار عمل کساد است.
 - در جامعه، افراد بیشتر سنگ خود و گروه خود را به سینه می‌زنند، عدالت کم‌رنگ‌تر شده است.
 - شبهات و فرقه‌های مختلف، افکارم را بمباران می‌کنند.
 - مشکلات زندگی چنان فراوان شده که مجال برای توجه به خدا و تفکر در امور انسانی نمانده است.
 - روابط، دوشادوش ضوابط پیش می‌رود و گاه جلوتر هم می‌افتد و ترس این می‌رود که به ضابطه‌ای ثانوی تبدیل شود.
- حال به ذکر نکاتی در باب دانشگاهها می‌پردازیم که مستقیم یا غیر مستقیم، آشکارا یا پنهان در اقبال یا ادبار آدمیان به دین و دینداری مؤثرند. برخی از این موارد، علت و عامل بوده و برخی صرفاً زمینه اقبال یا ادبار را فراهم می‌کنند.

۱. تبیین صحیح و جامع از مقولات دینی

امروزه دانشگاه‌های ما پذیرای جمع کثیری از جوانان جامعه‌اند و این یک فرصت استثنایی است که می‌تواند بستر مناسبی برای طرح و تبیین مسائل دینی برای این نسل باشد. وجود گروه‌های معارف اسلامی و دروس مربوط، اگر چه لازم است، اما تمام مسئله نیست. عقلانیت حاکم بر نسل جدید و به ویژه دانشجویان، می‌طلبد تا مسائل دینی متناسب با این ویژگی به مخاطبان ارائه شود و البته این نکته نباید با اعراض از لایه‌ها و سطوح دیگر، به ویژه سطح عرفانی و اخلاقی دین همراه باشد. تجربه نشان داده که بُعد اخلاقی و عرفانی دین از جذّابیت بیشتری برخوردار است. به هر حال این مرحله؛ یعنی تبیین صحیح و جامع از دین، باید به گونه‌ای باشد که اهداف ذیل را برآورد:

- اصلاح اطلاعات پیشین دینی، ارائه تصویر روشن و جذّاب از دین و حلّ دغدغه‌های ذهنی مخاطبان. حصول به این اهداف، صرفاً با تدریس متون با کلیشه‌های خاص میسر نیست؛ بلکه برگزاری نشست‌های علمی با حضور استادان و دانشجویان به صورت مستمر، ضروری به نظر می‌آید تا بدون هر گونه محدودیتی مسائل طرح و تبیین شود.

۲. تلاش هر چه بیشتر در ایجاد دانشگاه اسلامی

سالهاست که در جامعه ما مسئله اسلامی شدن دانشگاهها مطرح است. اما باید توجه داشت که اسلامی شدن دانشگاهها سطوح و مراتب متفاوتی دارد. بسیط‌ترین و ساده‌ترین لایه آن به امور ظاهری دانشگاه مربوط است؛ اما سطوح زیرین این اسلامیت، بسی عریض‌تر و عمیق‌تر است.

دانش و دانشگاه زمانی می‌تواند دینی تلقی شود که بتواند نسبت خود را با مقولات بنیادین دینی حفظ کنند و این جز با اصلاح در مبانی، اصول و رویکردها اتفاق نمی‌افتد. فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، طب و دهها دانش دیگر، سخت متأثر از آن اصول و مبانی و رویکردها هستند؛ به گونه‌ای که می‌توان مثلاً از فیزیک دینی و غیر دینی، اقتصاد دینی و غیر دینی سخن گفت.

اینکه نگاه آدمی به طبیعت، جانمندانگاران یا غایت‌مندان باشد یا فاقد جان و غایت، بر علم او از طبیعت نیز بی‌تردید مؤثر خواهد افتاد. به گفته ماکس پلانک، نهیلیسم مخرب علم نیز است (پلانک، بی‌تا، ص ۲۳۵)؛ یعنی در بستر پوچ‌گرایی، علم نیز هویت خود را از دست می‌دهد. مگر می‌توان طبیعت و انسان را هیچ و پوچ دانست اما علم برآمده از آنها را معنی‌دار و غایت‌مند شمرد؟! گالیه آیات طبیعت را کلمه الله می‌داند (باربور، بی‌تا، ص ۳۶).

بی‌تردید آن که از چنین منظری به طبیعت و آیات آن می‌نگرد، نسبت به کسی که خلاف این دید را دارد، عمل متفاوت و متضادی خواهد داشت. نمی‌دانم چگونه می‌شود مثلاً روان‌شناسی برآمده از برخی انسان‌شناسی‌های غربی که انسان را صرفاً یک سازوکار جبری و پیچیده می‌داند که با زبان فیزیک و شیمی قابل توصیف است (همان، ص ۶)، با روان‌شناسی مبتنی بر انسان‌شناسی دینی همسان و هم‌ردیف به حساب آورد!

علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن ❖ ۸۳

آری؛ علوم هر گاه مبتنی بر مبانی، اصول و رویکردهای دینی باشند، هم روح خواهند یافت و هم در مسیر تعالی انسان قرار خواهند گرفت.

امروز بر دانشگاهیان لازم است تا به جدّ بکوشند تا کاخ معرفت بشری را بر مینا و اصول رویکرد دینی از طبیعت بنا کنند؛ آنگاه خواهیم دید که چگونه این دانش به شجره طّیبه‌ای تبدیل خواهد شد که به تعبیر قرآن، ثمره و نتیجه‌ای دائمی خواهد داشت. به نظر نگارنده، اسلامی‌سازی دانشگاه به این معنی، نقش بسزایی در بالندگی و رشد دانش بشری خواهد داشت و این خود زمینه مناسبی برای اقبال به دین و دینداری فراهم خواهد کرد.

۳. حرکت در مسیر تکامل و توسعه

دین و دینداری زمانی جاذبه لازم را خواهد داشت که نه تنها مانعی در برابر رشد و توسعه تلقی نشود، بلکه عاملی در جهت رشد و توسعه به حساب آید. طبیعی است که این رشد و توسعه می‌تواند موجب توجه و اقبال انسانها به دینداری باشد. بر عکس، اگر جوامع دینی از قافله توسعه عقب افتند، اولین علامت تردید و سؤال در برابر توانایی دین و دینداری قرار خواهد گرفت - گر چه در واقع این دینداران هستند که مقصّرند نه خود دین؛ اما تفکیک این امر برای ناظران بیرونی کم اتفاق می‌افتد - البته مراد ما از توسعه، «توسعه دین‌محور» است که مبانی و رویکردهای خاص خود را دارد و با توسعه لیبرال غربی تفاوت جوهری دارد. دانشگاه به عنوان قافله‌سالار توسعه و تمدن اگر این رسالت خود را به زیبایی انجام دهد و قله‌های رشد و توسعه را در نوردد، بزرگ‌ترین خدمت را در امر توجه و اقبال انسانها، به ویژه نسل جوان، به دین و دینداری انجام داده است.

اما وصول به این مرتبه، مراحلی به قرار ذیل دارد:

الف) تبیین سازگاری دین و توسعه: اندیشه ناسازگاری علم و دین، مولود نامیمون اوضاع و احوال حاکم بر اروپا در گذشته به شمار می‌رود. تعمیم آن اندیشه بر نسبت علم و دین (اسلام)، مغالطه معروف به «تعمیم ناروا» است. بر جوامع دانشگاهی و حوزوی است که این توهم را کنار زده، همراهی علم و دین را آشکار کنند.

ب) طرح تمدن اسلامی در گذشته: چنانچه گفته‌اند، قوی‌ترین دلیل بر امکان یک شیء، وجود آن است. وجود تمدن اسلامی در قرون گذشته (ر.ک. به: دورانت، بی‌تا، تاریخ تمدن؛ زیدان، بی‌تا؛ نصر، بی‌تا؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، بی‌تا) بهترین گواه بر توانایی مسلمین و اسلام بر تمدن‌سازی است. نسل جوان ما در باب تمدن اسلامی گذشته خود، یا فاقد اطلاع است یا اطلاعات بسیار اندک دارد. کمترین فایده تبیین این تمدن، آشنایی به توانایی ملل مسلمان و اسلام و در نتیجه، هویت‌یابی خودمان خواهد بود.

ج) ایجاد نهضت علمی و عملی برای حرکت در مسیر تکامل و توسعه.

▪ نتایج تحقیق

با مروری به آنچه گذشت، می‌توان موارد ذیل را به عنوان نتیجه بحث مطرح کرد:

۱. دین‌گرایی یا دین‌گریزی مقوله تک‌علتی نیست و علل متعددی در تحقق آن مؤثر است.
۲. برخی از علل و عوامل مذکور، معرفتی و از سنخ دانش بوده و برخی غیر معرفتی است. طبیعی است اصلاح هر یک، روش خاص خود را می‌طلبد.
۳. علل دین‌گریزی، به علل داخلی و خارجی (درونی و بیرونی) قابل تقسیم است؛ به این معنی که برخی علل به متن جامعه دینی و پیروان آن دین مربوط است، ولی برخی دیگر، زمینه خارجی دارند. البته ذکر این نکته ضروری است که دین‌گریزی یا دین‌گرایی، بیش و پیش از آنکه توطئه دیگران باشد، معلول نقص و ضعف خود دینداران است. اگر مشکل و زمینه داخلی نباشد، عامل بیرونی موفقیتی کسب نخواهد کرد.
۴. هر چه از عقلانیت فاصله گرفته شود، به همان نسبت با دین و دینداری نیز فاصله خواهد افتاد.
۵. اختلاط و آمیزش حق و باطل - که از عوامل دین‌گریزی است - امری است تقریباً پایدار. همواره چنین بوده و خواهد بود؛ به قول مولوی:
رگ‌رگ است این آب شیرین آب شور
با خلاق می‌رود تا نفخ صور
۶. فضایل و رذایل اخلاقی آدمیان، در دین‌گرایی و دین‌گریزی آنها مؤثر است. به تعبیر برخی از بزرگان؛ ماتریالیسم اخلاقی، ماتریالیسم فلسفی را به دنبال دارد.

▪ پیشنهادهای تحقیق

- ۱- ضرورت عزیمت علمی و عملی از سوی اصحاب دین برای مقابله با تهاجم علمی و عملی. ۲- تلاش برای ارتقای سطح عقلانیت جامعه و اصلاح نظام آموزشی در این راستا. ۳- اصلاح نظم تبلیغاتی دینی، تربیت نیروهای توانمند و ممانعت از افتادن این عرصه به دست ناهلان. ۴- اصلاح عملکردها. ۵- تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی در بسترهای مختلف. ۶- ارتقای بصیرت و کسب قدرت تشخیص حق و باطل. ۷- تلاش برای پیشرفت و توسعه جامعه دینی. ۸- توجه به عصر و زمان حاضر و داشتن شناخت کافی از آن. ۹- رصد کردن شبهات و ایرادها و نقد علمی و منطقی. ۱۰- برگزاری نشستهای بحث و گفتگو در مراکز علمی، مساجد و ... ۱۱- نظام‌مند کردن و اصلاح سیستم مدیریتی. ۱۲- نگاه جامع به دین. ۱۳- توجه ویژه به نسل جوان و نیازهای مادی و معنوی او.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- نهج الفصاحه.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
- اسعدی، علیرضا، ۱۳۸۳، **امام علی (ع) و دینداری**، تهران، نشر آیت عشق.
- باربور، ایان (۱۳۶۲)؛ **علم و دین**، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- برنال، جان (۱۳۸۰)؛ **علم در تاریخ**، مترجم: حسین اسدپور پیرانفر - کامران فانی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- پلانگ، ماکس (۱۳۵۸)؛ **علم به کجا می‌رود**، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر فجر.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰)؛ **حکومت و سیاست از دیدگاه امام علی (ع)**، تهران، نشر معارف.
- **دایره‌المعارف بزرگ اسلامی** (۱۳۶۰)؛ تهران، بنیاد دایره‌المعارف.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)؛ **دولت آفتاب**، تهران، انتشارات دریا.
- دورانت، ویل (۱۳۶۶)؛ **تاریخ تمدن**، ترجمه ابوالقاسم پوینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورانت، ویل (۱۳۸۴)؛ **دفاع از هند**، مترجم مهوش غلامی، تهران، امید ایرانیان.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۹)؛ **تاریخ تمدن اسلام**، تهران، نشر امیر کبیر.
- شیخ طوسی، (۱۴۱۴.ه.ق)؛ **الأمالی**، قم، انتشارات دارالثقافه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)؛ **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق)؛ **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسه الوفا.
- عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹.ه.ق)؛ **وسائل الشیعه**، قم، مؤسسه آل‌البیت.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)؛ **پانزده گفتار**، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)؛ **حماسه حسینی**، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱)؛ **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامی، چ نهم.
- نصر، سید حسین (۱۳۵۰)؛ **علم و تمدن در اسلام**، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر اندیشه.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴)؛ **الحیاه**، تهران، انتشارات دلیل ما.
- امام رضا، علی بن موسی (ع) (۱۴۰۶.ه.ق)؛ **فقه الرضا**، مشهد، کنگره امام رضا (ع).
- محدث نوری (۱۴۰۸.ه.ق)؛ **مستدرک الوسائل**، قم، موسسه آل البيت.
- طبرسی، ابو منصور، احمد بن علی (۱۴۰۳.ه.ق)؛ **الاحتجاج**، مشهد مقدس، نشر مرتضی.
- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴.ه.ق)؛ **تحف العقول**، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۰۸.ه.ق)؛ **اعلام الدین**، قم، موسسه آل البيت (ع).
- فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۷)؛ **جوان از نظر عقل و احساسات**، تهران، ناشر: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی